

■ گفت‌وگوارا سال‌ها فعالیت هنری شما در عرصه موسیقی آغاز کنیم، ارزیابی شما از این سال‌ها چه بوده است؟

بیش از ۶۰ سال در عرصه موسیقی فعالیت کردم و پیش از انقلاب کنسرت‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور اجرا کرده‌ام. البته بیشتر تمرکز کاری‌ام روی مسأله آموزش بوده و از سطوح ابتدایی تا دانشگاه به امر تدریس پرداخته‌ام و در کنار آن اغلب فعالیت‌م در بخش اجرایی موسیقی بوده و مدیریت‌های مختلفی را برعهده داشتم. درواقع از سال ۵۷ عهدهدار این کارها بوده‌ام تا به امروز و در آن برهه زمانی مدیر مرکز حفظ و اشاعه موسیقی بودم و همچنین مدیر شوراهای

■ اشاره داشتید خانواده نقش مهمی در انتخاب مسیر هنری شما داشته آیا شما هم به آموزش موسیقی در خانواده تأکید دارید؟

موسیقی بخشی از آموزش و تربیت خانواده ما بوده و موسیقی را هنری مقدس می‌دانستیم. مادر من خواننده موسیقی ایرانی بود و ردیف موسیقی را از برادرش آموخت اما در کنار آن آشنایی بسیاری به قرائت قرآن داشت و ما در چنین خانواده‌ای تربیت شدیم، در برهه‌ای از زمان که بر موسیقی سخت می‌گرفتند، رشد کردیم و امروز نه‌وهای من نیز به هنر موسیقی گرایش پیدا کرده‌اند، بدون آنکه مانعی در آموختن این هنر باشد و به اختیار خود این مسیر را انتخاب کرده‌اند. من به عنوان یک معلم

است. به عنوان مثال در انتخابات ریاست جمهوری اخیر، هفت کاندیدای ریاست جمهوری در رسانه بزرگی چون صدا و سیما به مناظره نشستند اما هیچ کدام از این افراد در خصوص مسأله فرهنگ و هنر صحبت و برنامه‌ای ارائه نکردند. این در حالی است که اعتبار هر مملکتی به هنر آن سرزمین است. هرجا دیدید مملکتی رو به افول است بی‌تردید هنر آن هم از بین خواهد رفت. اگر بخواهیم از دیدگاه مذهبی به هنر موسیقی نگاه کنیم خواهیم دید قرآن و آذان برگرفته از هنر موسیقی است. مگر می‌شود رنای استاد شجریان و آن صدای ملکوتی را شنید و فراموش کرد! مهمترین مسأله‌ای انتخاب کرده‌اند. من به عنوان یک پیر دیر در این زمینه به

طریق هنر، همه هنرمندان را به یک وحدت دعوت کنیم. آن زمان که با حضور زنده‌یاد علی مرادخانی این خانه افتتاح شد با آنچه به مناظره نشستند اما هیچ کدام از این افراد امروز خانه موسیقی، خانه عشق است و البته بدون عیب و ایراد نیست. خانه موسیقی یک پایگاه وجودی برای هنر و هنرمندان موسیقی است و همه هنرمندان باید در آن سهیم باشند کسانی که بر نحوه عملکرد این خانه گلیابه دارند، شاید انتقاداتشان بجا باشد اما باید در موقعیت‌های آن قرار بگیرند و بعد قضاوت کنند. ایده همه افراد محترم است به شرط آنکه بیایند و صحبت‌های خود را بیان کنند. خانه موسیقی زیرمجموعه‌ای از این نظام حکومتی است و اگر اشکالی بر آن وارد

می‌شود. باید مسئولان مرتبط بودجه‌های قابل توجهی برای هنر در نظر بگیرند. خانه موسیقی هم زیر یک چارچوب حرکت می‌کند نمی‌تواند فارغ از این چارچوب قدم بردارد. نکته دیگر اینکه در بحث روانشناسی انسان‌های درونگرا و برونگرا وجود دارد و موسیقی چون همراه با صدا بوده، صدای بلند آن به گوش همگان رسیده وگرنه هنرمندان نتاثر هم ممکن است انتقادات و مشکلاتی داشته باشند اما موسیقیدانان برعکس دیگران حرف و مشکلات خود را بیان می‌کنند و همان طور که گفتم، مشکلات در همه صنف‌ها وجود دارد. به گفته فریدون مشیری: «در جوانی جان گرگ را بگیرا وای اگر این گرگ گردد با تو پیر» انسان‌هایی که

بدانند چرا در این ۴۲ سال شما در همه‌جا حضور داشته‌اید از شوراهای مختلف موسیقی گرفته تا جشنواره‌های متعدد موسیقی، البته این موضوع از حسن اعتماد و علاقه‌ای است که به شما بوده، دیدگاه شما در این باره چیست؟

من به عشق خود در تمام این برنامه‌ها حضور داشتم به ششک این مردم، چند چیز در من وجود ندارد که به صراحت آن را می‌گویم نخست حسادت، دیگر اینکه هیچ‌گاه به دنبال مادیات نبوده‌ام و از ابتدا اوضاع مالی خوبی داشتم. نکته دیگر اینکه مردم کشور را دوست دارم و با کسی دشمن نمی‌شوم. همیشه رنگ سبز را می‌بینم و به سیاهی نمی‌اندیشم و تلاش می‌کنم آدم‌ها را به یکدیگر نزدیک کنم و تفرقه‌ای نباشد. البته این خصلت را در خانه و خانواده هم رعایت می‌کنم و به همین صورت است و خوشبختانه تا به امروز سعی کردم کسی را از خود دلخو نکنم. اینکه همیشه در کنار مردم و هنرمندان بوده‌ام احساس مسئولیتی است که در خود می‌بینم و هیچ‌گاه نشده اجر آن را دریافت نکنم.

■ داود گنج‌های از نوازندگان نام آشنای موسیقی است اما چندان علاقه‌مند به برگزاری کنسرت نیست؛ دلیل این موضوع چیست؟

من به دنبال پول و شهرت نیستم و سال‌ها در کنار هنرمندان خوب کشورمان کنسرت‌هایی در نقاط مختلف جهان و فستیوال‌های داخلی و خارجی به همراه گروه‌های موسیقی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی برگزار کرده‌ام و امروز نوبت نسل جوان‌تر است و کامبیز پسرم و اردشیر کامکار دامادم باید در این اجراها حضور داشته باشند و لزومی به روی صحنه آمدنم نمی‌بینم و اگر کسی علاقه‌مند به اجرای کنسرت‌های من است، قطعاً یک اجرای رایگان برگزار می‌کنم.

■ زنده‌یاد استاد لطفی در مصاحبه‌ای اشاره کرده‌شما از معدود بازماندگان سبک سنتی کامنچه نوازی هستید آیا در این زمینه صاحب

داوود گنج‌های نوازنده و موسیقیدان پیشکسوت در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

اعتماد و اعتقاد را بین مردم و هنرمندان تقویت کنید

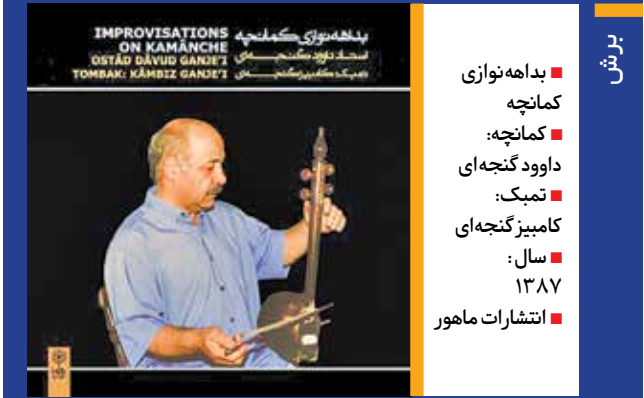


موسیقی ایران‌یان

ندا سیجانی
| خبرنگار

داوود گنج‌های ۷۹ ساله شد، او متولد ۱۳۲۱ در شهری است ،نوازنده کامنچه و ویولون که به گفته خودش سال‌ها در شوراهای مختلف موسیقی حضور داشته و فعالیت کرده ،از شورای مرکزی طرح و برنامه ریزی آموزشگاه‌های آزاد موسیقی گرفته تا شورای عالی موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای نظارت بر نوارها و اجراهای موسیقی، شورای ارزشیابی هنرمندان کشور، شورای پژوهشی و آموزشی صدا ووسیما و مدیریت‌های مختلف در حفظ و اشاعه موسیقی، قائم مقام و مدیر عامل خانه موسیقی و...

زادروز این هنرمند در ۲۴ خردادماه انگیزه‌ای شد تا گفت‌وگویی صمیمانه درخصوص سال‌ها فعالیت هنری او داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید.



آلبوم «بداهه نوازی کامنچه» اثر داوود گنج‌های شامل تک‌نوازی‌هایی در آواز ابوعط و آواز دشتی، آواز افشاری، دستگاه سه‌گاه، آواز بیات اصفهان و دستگاه ماهر است. در متن دفترچه‌ی سی دی، که شامل زندگینامه مختصر دو هنرمند است، چنین می‌خوانیم: «این اجرا دریافتی است درونی، ذهنی و ذوقی مبتنی بر ردیف‌های موجود که به صورت بداهه، در فضایی کاملاً خصوصی در خانه، بدون پالایش و ویرایش، توسط اردشیر کامکار ضبط شده است.»

■ سال‌ها در شورای سیاستگذاری جشنواره موسیقی فجر حضور داشتید و همچنان از تجربیات شما بهره می‌برند از دیدگاه شما نقطه ضعف و قوت این جشنواره چیست؟

جشنواره موسیقی فجر یک جشنواره انقلابی است نه یک جشنواره موسیقی بین‌المللی تا همه هنرمندان شرکت کنند و بالاترین جایز را دریافت کنند. حتی گاهی به دلیل دلخوری‌هایی که برخی از هنرمندان از شرایط حاکم بر جامعه دارند ترجیح می‌دهند در این گونه جشنواره‌ها شرکت نکنند و سازی نوازند. جشنواره موسیقی فجر به دلیل اینکه یک جشنواره دولتی است بایستی در قالب یک چارچوب حرکت کند و ما یک سیاستگذار داخلی هستیم و نمی‌توانیم تصمیم‌های مختلف بگیرم. همیشه هم در شورای سیاستگذاری گفته‌ام و انتقاد من این بوده تکلیف خود را روشن بدانیم اگر به عنوان یک موسیقیدان پیشکسوت در این شورا قرار گرفته‌ایم باید درباره خود هنر تصمیم بگیریم نه مسائل دیگر.

■ ارزیابی شما از جشنواره ملی موسیقی جوان چیست؟

بسیار عالی است و خوشحالم فضایی گسترده شد تا نسل جوان موسیقی ایران بتوانند هنر خود را ارائه کنند به روی صحنه ببرند. البته صد حیف که هنر این جوانان در رسانه ملی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و شبکه‌ای اختصاصی به موسیقی وجود ندارد.

■ در یک برهه زمانی قائم مقام و جانشین مدیرکل موسیقی صدا و سیما بودید آیا در آن سال‌ها تلاش کردید تعاملی بین هنرمندان و تلویزیون صورت بگیرید؟

صدا و سیما از موسیقی به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند این در حالی است که باید برای موسیقی حرمت قائل بود و برای جوانان فارغ‌التحصیلان آن فضایی برای ارائه هنر ایجاد کرد.

■ شرایط را کستره‌ها به چه صورت است؟

اولویت مملکت ما موسیقی نیست که بخواهند به ارکسترهای ما بپای بدهند و همین نگاه‌ها موجب شده ارکسترهای ما شرایط خوبی نداشته باشند.

■ بابیش از ۶۰ سال فعالیت هنری و اجرایی در عرصه هنر موسیقی آرزو و خواسته شما چیست؟

هر کسی که خالصانه به خلق خدا و وطنش خدمت کند قطعاً اجر آن را خواهد دید اما اگر نیت دیگری داشته باشد تاوان آن را خواهد داد. برای مردم کشور آرزو دارم اگر موسیقی گوش می‌دهد با جان و دل بشنود و مسئولان هم کاری کنند که اعتماد و اعتقاد مردم از بین نرود.

سبک هستید یا شیوه تدریس استاد علی اصغر بهاری را آموزش می‌دهید؟

من در این سال‌ها سبک آموزشی خود را پیش گرفته‌ام و به هنر جوانان آموزش داده‌ام و آنچه که به آن رسیدم، برگرفته از موسیقی ردیف دستگاهی است.

■ چرا به تولید آلبوم‌های موسیقی کمتر پرداخته‌اید؟

زمانی که انقلاب شد خود مسئولان من به عنوان مسئول موسیقی کشور انتخاب شدند و از آن سال‌ها تا به امروز در کنار موسیقی بوده و هستم و این مسئولیت همچنان برعهده من است و امروز می‌بینم خوشبختانه همه براحتمی ساز می‌خرند و می‌فروشند یا آموزشگاه‌های موسیقی همچنان برپا است و مانع و مزاحمتی وجود ندارد و این موضوعات موجب شد فرصت کمتری در تولید آلبوم یا اجرای کنسرت داشته باشم و بیشتر زمانم صرف کارهای اجرایی بوده است.

■ شاید برای مخاطبان هم جالب باشد که

توانند خود را تزکیه کنند هم برای خود و هم جامعه مشکلاتی ایجاد می‌کنند. بنابراین ما باید دست در دست یکدیگر قرار بدهیم و رو در روی یکدیگر انتقاد کنیم نه در پشت سر هم. یکی از افتخارات من این است که در محیط خانواده خودم توانسته‌ام آن اتحاد و همبستگی را ایجاد کنم و در همین محیط کوچک نسل آینده را تربیت می‌کنم. راستی، درستی و صداقت را باید در زندگی بیاموزیم و رعایت کنیم. ۶۰ سال از ازدواج من می‌گذرد و همسرم همیشه همگام و همراه من بوده و اگر امروز توانسته‌ام این خانواده منسجم را شکل بدهم، قطعاً با کمک‌های همسرم بوده و به همین دلیل است که بر تربیت و جامعه کوچکی چون خانواده تأکید می‌کنم.

■ کمی هم در مورد فعالیت‌های شما صحبت کنیم، سال‌ها زیر نظر اساتید بزرگ در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی آموزش دیده‌اید اما امروزه چنین مراکز و اساتید لدسوزی کمتر وجود دارد نظر شما در این باره چیست؟

زمان امروز با گذشته متفاوت است اما اگر بخواهیم به موضوع آموزش توجه بیشتری داشته باشیم، ابتدای امر باید مسئولان در زمینه قدم بردارند. آن زمان اساتیدی چون داریوش صفوت یا نورعلی برومند بر سر کار بودند و بدون آنکه تجارت کنند، عاشقانه به آموزش و تدریس می‌پرداختند اما امروزه همه چیز بر مبنای مادیات است و به نوعی تجارت می‌شود. شما بگویید هنرمندی که در این مدت زمان به خاطر بیماری کرونا کار خود را از دست داده چگونه باید زندگی خود را بگذراند؟ درآمزش از کجا می‌آید؟ وقتی برای بزرگان دینی و ملی ایران تلاش می‌شود و دیگر مسئولان ما ندارند. برخلاف انتقاداتی که وجود دارد از دیدگاه من آقای نوربخش مدیر بسیار توانا و موفقی بوده.

اولاً که انتقادپذیر است و دیگر اینکه در مقابل مشکلات به سختی می‌ایستد و نکته دیگر اینکه ارتباط خوبی با هنرمندان و مسئولان دارد و به اعتقاد من هر کسی که در کار هنر وارد شده، هدفش خدمت به جامعه هنری بوده

اما همچنان تأکیدم بر این است که جوان‌ها هم در همه مجامع هنری حضور داشته باشند تا از ایده‌های نو آنها استفاده کنیم منتها در زیر سایه تجربه بزرگان.

■ به طور کلی وظیفه خانه موسیقی در قبال هنرمندان چیست؟ آیا طی این سال‌ها توانسته به آنچه که وظیفه‌اش بوده به درستی عمل کند؟

وظیفه خانه موسیقی در اساسنامه آن آورده شده و هدف آن اعتلای هنر و کمک به هنرمندان است چه به لحاظ مادی و چه معنوی. هنرمندان روحیه لطیف و خاصی دارند و باید مراقب رفتار با آنها بود. هنرمندان باید همفکری کنند و وحدت داشته باشند. اگر نسبت به عملکرد خانه موسیقی گلیابه دارند، بیایند در انتخابات خانه شرکت کنند و فرد مورد نظر را از دیدگاه خود انتخاب کنند.

■ چرا این وحدت و یکپارچگی در بین هنرمندان از بین رفته و دودستگی ایجاد شده؟

پیش از انقلاب مراکز برای آموزش موسیقی وجود داشت که در قبال یادگیری مبالغ اندکی هم دریافت می‌کردیم اما امروزه اگر فرزند شما بخواهد همان موسیقی را بیاموزد باید ماهانه یک میلیون تومان هم پرداخت کند. موسیقی امری اقتصادی در مردم بسیار آشفته است و زمانی که این اوضاع به وجود آید ناخودآگاه بین مردم فاصله ایجاد

است، این ایراد ابتدا بر کل نظام وارد بوده و بعد از آن بر مجموعه‌های کوچک‌تر آن. ما امیدواریم این مملکت در مسیر درست قدم‌های صادانه بردارد و جوانان ما پر امید بی‌شک پناهگاه امنی هم نخواهد بود.

ما کشور فرهنگ دوست و فرهنگ‌پروری هستیم و عاشق به هنر و ادبیات و علاقه‌مند به ارتباطات اجتماعی؛ اما متأسفانه این ارتباطات و اعتقادات روز به روز در حال نابودی است. ۴۳ سال بالاترین شغل‌های مدیریتی را داشته‌ام و هر گاه خواستم استعفا بدهم یا کناره‌گیری کنم دوستان و

همکاران مانع از رفتن من شدند اما من به پشتوان همین مرد بزرگ علی مرادخانی در این جایگاه قرار گرفتم و حق شناسی و قدرشناسی وظیفه ما هنرمندان است. ۴۰ سال هم در شورای موسیقی فعالیت کردم و خط راهنمایی وجود داشت که نظام برای ما تعریف کرده اما متعهد به اجرای آن هستیم. من هنرمند براین باورم هنر باید آزاد باشد تا آزاداندیشی رشد کند. وقتی سرودی با مضمون «ایران ای سرای امید...» طنین انداز می‌شود خون تمام مردم به جوش می‌آید مگر می‌شود موسیقی را از مردم حذف کرد و از آنها گرفت؟ یا رزمندگانی که به جبهه‌های جنگ رفتند و شهید شدند به‌واسطه هنر و سرودهای بسیار قوی و سازهای موسیقی در این جبهه‌ها با

انگیزه‌های بالا ظاهر شدند و جهاد کردند و جنگیدند اما جای تأسف است که بعد از ۴۲ سال همچنان تلویزیون ملی ایران ساز را نشان نمی‌دهد. سازی که از آن موسیقی‌های ارزشمندی برای بزرگان دینی و ملی ایران ساخته شده و در بزنگاه‌های مختلف مورد استفاده بوده. اگر هنر موسیقی و دست گرفتن ساز مسأله است چرا آن را تدریس می‌کنند؟ وقتی دکترای موسیقی در این مملکت تربیت و فارغ‌التحصیل می‌شود به این موضوع پی می‌بریم که موسیقی یک علم است و هنرمند خالق، ادیب، فیلسوف و جامعه‌شناس است. اگرچه هنر با سیاست متفاوت است اما هنرمند شامه قوی دارد و می‌داند جامعه چه هدفی را دنبال می‌کند.

■ اشاره داشتید به اعتماد هنرمند به متولیان و مسئولان؛ جامعه کوچک‌تر این موضوع خانه موسیقی است خانه‌ای که از ابتدا تا به امروز کنار آن و هنرمندان بوده‌اید. در واقع اغلب هنرمندان داوود گنج‌های را بیشتر یک حامی و دوست می‌شناسند تا یک نوازنده و معلم. اما این اعتماد اندکی از همین خانه کوچک ریشه شده و هنرمندان فاصله گرفته‌اند و گلیابه و نارضایتی‌هایی شنیده می‌شود.

ما نتوانستیم آن طور که باید و شاید از این اجتماع توصیه می‌کنم این است که مسئولان اعتماد و اعتقاد مردم را تقویت کنند. اگر اعتمادی نباشد هر چه بگویند در باور مردم نمی‌گنجد و اگر اعتقادی نباشد من بر این باورم هنر واقعی انسان را به خدا نزدیک می‌کند، مبنایی که عشق در آن متبلور است. خدا رحمت کند علی مرادخانی را، مردی که کمک‌رسان اهالی هنر بود و از هیچ حمایتی دریغ نمی‌کرد. مردی هنر دوست و هنر‌پرور که آشنایی و اشراف بسیاری به حوزه موسیقی داشت و جسته و گریخته آواز هم می‌خواند. من از این مرد بزرگ درس‌های بسیاری آموختم.

■ به گفته شما هنر واقعی انسان را منزه می‌کند آیا این شاخصه و احترام به بزرگان و پیشکسوتان در نسل امروز هم دیده می‌شود؟

هنرمندان انسان‌های وارسته و خدابپرست هستند و آثاری که خلق می‌کنند الهاماتی از خداوند است. هنر در قبل و بعد از انقلاب در وجود مردم ایران ساری و جاری بوده ضمن اینکه هنر بعد از انقلاب رشد بسیاری داشته و نسل جوان گرایش بسیاری به هنر پیدا کرده‌اند. نکته دیگر اینکه بعد از انقلاب هنر در خانواده‌ها هم اپیدمی شده و امروز می‌بینم تقریباً در هر خانه‌ای یک ساز وجود دارد اما در گذشته حساسیت و ممانعت‌هایی بود و این نگاه‌های هنری وجود نداشت تا آنجا که هنر بویژه موسیقی را مغایر با دین و مذهب می‌دانستند این در حالی است که هنر هیچ مغایرتی با دین ندارد و حتی مکمل آن خواهد بود. با نگاه به زندگی مرحوم استادان عبادی، تجویدی یا همایون خرم و دیگر اساتید خواهیم دید این بزرگان افرادی بسیار متدین، پاک و عاشق هنر خود بودند درواقع اگر کسی عاشق نباشد نمی‌تواند هنرمند باشد و به اعتقاد من هنرمند بخشی از وجود خداوند است. اما درخصوص تأثیرگذاری هنر بر نسل جوان باید بگویم هنر زاینده شرایط حال جامعه است، اجتماعی که آشفته باشد و مسائل بسیاری در آن رعایت نشود این مشکلات بر هنر وارد می‌شود و تأثیر می‌گذارد. اگر امروزه احترام به بزرگ‌ترا و حتی به یکدیگر کمتر شده به این دلیل است که مرید و مراد بودن از بین رفته و پرده‌ری شده است.

■ با توجه به تجربه شما در مدیریت‌های مختلفا اجرایی، آیا تغییرات پی در پی مدیریتی در مسیر هنر اثرگذار بوده و موجب خلل و صدماتی به آن شده است؟

باز هم باید بادی از مرحوم علی مرادخانی داشته باشیم. اگر هنردوستانی چون آوبوند نواز هنر موسیقی از بین رفته همیشه خوارم این بوده که می‌توانم به هنرمندان، دوستان و هم صنفان خود کمک فکری و هنری داشته باشم.